

فهرست واژگان

آ

- آب : ابرو
 آثار : جمع اثر، خبرها، روایت‌های دینی
 آژنگ : چین و شکنی که به سبب خشم، بیماری یا پیری بر چهره و ابرو و پیشانی افتد.
 آغالییدن : کسی را بر ضد دیگری برانگیختن

الف

- ابریق : ظرف سفالین برای شراب، کوزه، کوزه آب
 ابلق : اسب سیاه و سفید؛ روزگار به اعتبار گردش شب و روز به ابلق تشبیه شده است.
 اتباع : پیروان
 اجرام : جمع جزم، جثه‌ها، جسم‌ها، ماده چیزها
 ارمغان : تحفه، هدیه
 ازار : شلوار
 استغنا : بی‌نیازی
 استمالت : دل‌جویی

ب

- باج : مال و اسبابی که سلاطین از رعایا ستانند، مالیات
 بادافره : مکافات
 باره : اسب
 باطنی : منسوب به باطن، درونی، پیرو باطنیه، فرقه‌ای از شیعه هفت امامی اسماعیلیه
 برات : سند رسمی برای حواله وجه به خزانه یا اشخاص
 بُرات : حلقه بینی شتر.
 براعت استهلال : آن است که نویسنده یا شاعر در ابتدای کتاب یا مطلع قصیده، الفاظی چند ایراد کند که خواننده به محض خواندن آنها از مقصد و مراد
- اشکوب : سقف، هر مرتبه از پوشش خانه، طبقه
 اطناب : زیاده‌روی کردن
 اعرابی : عرب بیابان‌نشین
 اعراض : روی برگرداندن، پرهیز کردن
 اعزاز : عزیز دانستن و بزرگ داشتن
 اغرا : تحریک، برانگیختن
 افراز : بلندی، فراز، کرسی، منبر
 افراز : جدا کردن چیزی از چیز دیگر
 افهام : جمع فهم، درک‌ها، فهم‌ها
 افواه : جمع فوه، دهان‌ها
 أقصا : دورتر، دورترین

نویسنده و گوینده آگاه شود.

برد : سرما

بری : بی گناه، مبرا

بط : مرغابی

بطالت : بیکاری، بی برنامه‌گی

بَطْر : ناسپاسی نعمت کردن، در شادی و نعمت از

حد درگذشتن

بَغْتاً : ناگاه، ناگهان

بقاع : مکان مبارکه

بو : آرزو

بو قلمون : نوعی پارچه رومی که رنگ آن در برابر

نور خورشید هر لحظه به رنگی درمی آمد؛ رنگارنگ

بهایم : چارپایان

بیاض : پاک نویس

پ

پالیز : بوستان، کشتزار

پذیره : استقبال

پر خاش خر : جنگجو، پر خاش جو

پرویزن : آرد بیز، غرابال، الک، ایزاری است که با آن

بیختنی‌ها چون شکر و آرد را الک می کنند.

پیکان : فلز نوک تیز که بر سر تیر نصب کنند.

پیلهور : خرده فروش، کاسب دوره گرد

ت

تابیدن : خشمگین شدن

تاک : درخت انگور، مو

تأمل : اندیشیدن

تجلیل : بزرگ داشتن، بزرگ شمردن

تبش : گرما، حرارت

تجريد : در لغت به معنی تنهایی گزیدن و در اصطلاح

صوفیه، خالی شدن قلب سالک است از آنچه جز

خداست.

تحسّر : پشیمانی، حسرت خوردن

تَرَب : حيله، تزوير، چرب زبانی، حرکت از روی

ناز یا قهر

ترحيب : به کسی مرحبا گفتن، خوش آمدگویی

ترنج : بالنگ، میوه درخت بالنگ

تزيّد : دروغ گفتن، در سخن افزون کردن

تسجيع : آوردن سجع است در کلام، و سجع در

لغت به معنی آواز کبوتر و در اصطلاح عبارت است

از کلمات هماهنگ که در آخر جمله های یک عبارت

می آورند. سجع در نثر، حکم قافیه را دارد در نظم؛

مانند : «باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و

خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده» و «آنچه نباید،

دل بستگی را نشاید». از جمله کتبی که به نثر مسجع

نوشته شده اند، مناجات نامه خواجه عبدالله انصاری

و گلستان سعدی است.

تشمّر : در اصل به معنی دامن به کمر زدن است ولی

در اینجا، یعنی خویش را برای کاری آماده ساختن

تصنيف کردن : نوشتن کتاب یا رساله

تضريب : دو به هم زنی، دو نفر را علیه یکدیگر

واداشتن، سخن چینی

تطاول : درازدستی، تعدی

تعب : رنج

تعبد : عبادت کردن، پرستش

تعبيه شدن : قرار گرفتن، واقع شدن، تعبیه ساختن به

معنی مرتب و منظم کردن است.

تعريض : به کنایه سخن گفتن، سر بسته گفتن،

گوشه زدن

تعصّب: جانبداری، طرفداری

تعلیق کردن: یادداشت کردن، نوشتن مطالب در ذیل رساله یا کتاب، یادداشت ضمیمه کتاب و رساله

تعهد: مراقبت، سرپرستی

تفرّج: آسایش، انبساط خاطر، آرامش

تفرید: یگانه کردن و در اصطلاح صوفیان، تحقّق بنده است به حق؛ به طوری که حق، عین قوای بنده باشد.

تقریر: بیان، شرح

تک: دو، دویدن، تاخت و تاز

تماشک: خویشتن‌داری، خود را نگاه داشتن

تمالک: خودداری کردن، مالک نفس خود گردیدن

تمکین: احترام، توانایی

تموز: ماه دهم از سال رومیان تقریباً مطابق با تیرماه سال شمسی؛ ماه گرما

تناول کردن: غذا خوردن. تناول در لغت به معنی نواله (لقمه) کردن غذاست.

توجّع: دردمندی

توحید: در اصطلاح اهل حقیقت، تجرید ذات الهی است از آن چه فهم و گمان آدمی تصوّر کند.

تهوّر: بی‌باکی، گستاخی

تیر خدنگ: تیری که از چوب درخت خدنگ ساخته شده باشد.

تیمار: سرپرستی، مراقبت

تیه: بیابان بی‌آب و علف که در آن سرگردان شوند.

جگر آور: دلیر، شجاع

جلالی: منظور تقویم جلالی است. این تقویم مبتنی بر محاسبه سال به ۳۶۵ روز و ۵ ساعت و ۴۹ دقیقه است. بدین ترتیب که سال را ۱۲ ماه سی روزه حساب می‌کردند و پنج روز در آخر سال به نام «خمسۀ مُسْتَرَفَه» یعنی «پنج روزِ دزدیده» بر آن می‌افزودند و از بابت ۵ ساعت و ۴۹ دقیقه، در هر ۴ سال یک روز و در هر ۳۳ سال، ۸ روز اضافه می‌کردند. چون این اصلاح به دستور جلال‌الدین ملکشاه سلجوقی صورت گرفت، آن را «جلالی» نامیده‌اند. در تنظیم این تقویم، گروهی از دانشمندان بزرگ، مانند حکیم عمر خیّام نیشابوری شرکت داشته‌اند. تقویم فعلی ایران نیز بر اساس تقویم جلالی در سال ۱۳۰۴ شمسی تنظیم شده است.

جلیس: دوست، هم‌نشین

چنان: دل، قلب، باطن، درون چیزی، شب، تاریکی شب

چ

چارق [= چاروق]: کفش چرمی که بندها و تسمه‌های بلند دارد و بندهای آن به ساق پا پیچیده می‌شود.

چرخ: پرنده‌ای شکاری که جثه‌اش از باز و کلاغ معمولی نیز کوچک‌تر است. چرخ به رنگ خاکستری با لکه‌های سیاه و سفید دیده می‌شود.

ح

حَبْرَى: سیاه

حَرَس: نگهبان، پاسبان

حُلّه: جامه نو

حَنین: ناله شوق و فریاد عاشقانه

حیرت: در لغت به معنی سرگردانی و در اصطلاح

ج

جَبّه: جامه‌ای گشاد و بلند که روی جامه‌های دیگر پوشند.

جزم: قطعی، استوار

جبری: گستاخ، بی‌باک

صوفیه، امری است که هنگام تأمل و حضور و تفکر بر قلب عارفان وارد می‌شود.

حَیْز: جا و مکان، از حَیْزِ شمار بیرون بودن: بی‌شمار و فراوان بودن

خ

خامل: بی‌ارزش، بی‌قدر

خابیدن: جویدن(دست خابیدن: کنایه از پشیمانی)
خدنک: درختی است بسیار سخت که از چوب آن تیر و نیزه و زین اسب سازند.

خَراج: باج، مالیات

خُردمایه: (ظاهراً) کم‌دست و کم‌سرمایه

خردۀ مینا: شبیسه‌های رنگارنگ؛ استعاره از گل‌ها و سبزه‌های رنگارنگ

خَرَف: نادان، تباه عقل

خریف: پاییز

خضیب: مُمال خضاب به معنی رنگ و آنچه بدان رنگ کنند.

خطر: نزدیکی به هلاکت، دشواری، کار بزرگ

خَلاب: باتلاق

خَلَق: کهنه، پاره؛ خَلَقَ گونه: تقریباً کهنه

خُلُو: هلو

خُلُو: خالی شدن، تهی گشتن، تنهایی

خَلِيفَةُ شَهر: داروغه، شهربان

خُنْک: خوشا

خُنیاگر: آوازخوان، خواننده، سرودگوی

خواتم: جمع خاتم، پایان‌ها، سرانجام‌ها

خوره: مرضی که در بن دندان جای می‌گیرد و ریشۀ آن را سست می‌کند و عاقبت باعث بیرون افتادن دندان از لثه می‌گردد (پیوره).

خوید: (بر وزن بید) گندم و جو نارس
خیار بالنگ: خیار معمولی سبز و لطیف

د

دُرّاعه: جُبّه، قبا

دُرد: ته‌ماندهٔ مایعات

دریافتن: قدر دانستن و فرصت را غنیمت شمردن
دستار: عمامه، سربند، دستمال و پارچه‌ای که مواد خریداری شده را با آن حمل می‌کردند.

دستوری: اجازه، رخصت

دَفینه: پول و مالی که در زمین دفن کرده باشند؛ گنجینه
دگان: سکو و تخت ماندی که از آجر و سنگ می‌ساخته و بر آن می‌نشسته‌اند.

دمدمه: با خشم سخن گفتن، گفت و گو، آواز، صدا، آوازه

دولتِ وُرد: سلطنت گل سرخ؛ استعاره برای فصل بهار

دَها: زرنگی، هشیاری، زیرکی

ذ

ذِمّت و ذِمّه: حقّ و تعهد

ذوالفقار: نام شمشیر علی بن ابی طالب (ع)؛ دارای مهره‌ها (از آن جهت به این شمشیر ذوالفقار گفته می‌شد که در میانهٔ تیغهٔ آن، شیاری مشابه مهره‌های پشت بود.)

ر

راح: شراب، می

راست: (پردهٔ راست = مقام راست)، یکی از مقامات در موسیقی قدیم بوده است. در تطبیق اسامی قدیم

با اصطلاحات موسیقی امروز ایران، آن را با نُتِ فا برابری دانسته‌اند.

رُبع مسکون: قسمت معمور و مسکون سطح کره زمین که معادل یک چهارم سطح آن است (زیرا سه چهارم دیگر را آب فراگرفته است).

رحلت: کوچ کردن

رحیل: اول کوچ، کوچ کردن

ردا: جامه‌ای که روی جامه‌های دیگر پوشند؛ جُبّه، بالاپوش

رزمه: بقچه

رُسوخ: رخنه، نفوذ

رغبت: میل

رُقعّت: نامه کوتاه

رند: ولگرد، بی‌بند و بار

رویین تن: آن که تنی نیرومند و استوار چون روی دارد؛ لقب اسفندیار از آن جهت که تنش آسیب‌پذیر نبود.

ریاحین: جمع ریحان، گیاهان خوش‌بو، سبزه‌ها

ریحان: نازبو، هر گیاه سبز و خوش‌بو

ز

زعارت: تندخویی، بدخُلقی

زمهریر: سرمای سخت

زمینج: نام روستایی است.

زی: لباس، طریقه، شیوه

س

ساج: درختی راست قامت که در هند می‌روید.

ساز کردن: مهیا، آماده کردن

سَباع: جمع سَبُع، جانوران درنده

سبیل: راه

سِجَل: عهدنامه، نامه‌ای که قاضی در آن صورت دعاوی و حکم و اسناد را می‌نویسد.

سدره: نام درختی در بهشت

سُدْره: پیراهن سفید و گشاد بی‌یقه با آستین‌های کوتاه که تا زانو می‌رسد.

سراچه: خانه کوچک

سَقَط: مردن، هلاک

سلسال: آب گوارا

سلوک: طریق، روش

سلیم: ساده‌دل، گول، مارگزیده

سِمَت: علامت، نشانه

سَمَر: حکایت، افسانه

سَمَن: گلی پنج‌برگ و سفید و خوش‌بوی

سِنان: سرنیزه

سُنن: جمع سنت، واجبات و رسوم؛ مقصود، مقدمات و امکانات نماز و واجبات آن است تا پایان سلام نماز

سودا: خیال

سودایی: عاشق، دیوانه

سور: میهمانی، ضیافت

سورچی: کسی که گاری و درشکه و دلیجان را

می‌راند؛ درشکه‌چی

سیلک: حریر، ابریشم

ش

شمارستان: شهر، آنچه درون حصار شهر باشد.

شَبات: (شباط) ماه آخر زمستان از سال رومی

شحنه: پاسبان

شسست: حلقه‌ای استخوانی یا چوبین که در انگشت

می‌کردند و زه کمان را با آن می‌گرفتند.

شعر: گیسو، مو

شعوذه گر: شعبده باز، نیرنگ باز

شهور: جمع شهر، به معنی ماه‌های سال

طوع: میل و اراده

طیب: بوی خوش، پاکیزه

طیره: خفت، سبکی

طیش: خشم و تندى؛ (طیش خریف: اضطراب و

تندى پاییز)

ص

صاحب فراست: باهوش، فراست: هوشیاری

صبیبه: دختر (صبی: پسر)

صبوحي: شراب بامدادی

صراف: کسی که پول را نقد و مبادله کند؛ دلال

صفیر: بانگ و صدا

صله: عطا دادن، بخشش، انعام، عطیه، جایزه

صمُّ بکم: کران و گنگان (در فارسی، گاه صفت‌های

جمع عربی، مفرد محسوب شده است)، در اینجا یعنی

کر و گنگ

صولت: شدت و تندى

صیت: آوازه، شهرت (نیک)

ظ

ظرفا: جمع ظریف: اشخاص بذله گو و نکته‌سنج

ع

عتیق: دیرینه، گذشته، کهنه

عَدْل: داد کردن، نهادن هر چیزی در جای خود

عِذار: چهره

عِراق: از نغمه‌های موسیقی پیشین ایران که تا امروز

به همین نام در ردیف‌های موسیقی مشهور است.

عزلت: گوشه نشینی

عشاق: یکی از مقام‌های دوازده گانه موسیقی قدیم

عِظت: پند دادن، نصیحت کردن (از وعظ)

عِقد ثریا: ستاره پروین که شش تا و به شکل خوشه

است؛ در اینجا خوشه انگور به آن تشبیه شده است.

عندلیب: بلبل و مطلق هر مرغ

ض

ضُجرت: ستیزه‌کاری، دشمنی

ضیاع: جمع ضعیف، آب و زمین

ضیمران: ریحان دشتی، تاج خروس

غ

غَدّار: بسیار بی وفا، فریب کار

غرامت: تلافی، عوض

غَرّه: مغرور، فریفته، غافل

غُرّه: به اول هر ماه و آغاز هر چیز گفته می‌شود؛ در

لغت به معنی پیشانی است.

غَضبان: خشمناک، (شاهد غضبان: زیباروی

خشمناک و برافروخته)

ط

طَرّار: دزد

طرایف: جمع طریفه، تازه و نو، نادر و غریب

طلب: اولین قدم در تصوف طلب است و آن حالتی

است که در دل سالک پیدا می‌شود و او را به

جست و جوی معرفت و حقیقت وامی‌دارد.

طَلْحَک (= تلخک، دلکک): هر شخص مسخره را

گویند، جوحي، جُحي

غیرت : حسد

اسباب و ائانه، ج : قماشات

قَنَات : نیزه؛ قدِ قناتی : قدی مانند نیزه کشیده و راست
قَیصر : عنوان و لقب امپراتوران روم و روم شرقی،
عنوان و لقب امپراتوران آلمان، عنوان و لقب
امپراتوران روسیه، تزار

ف

فاخر : فخرکننده، هر چیز نیکو، عالی

فَتراک : تسمه و دوالی که از پس و پیش زین اسب
آویزند؛ ترک بند

قَرّ : فروغ ایزدی

فراست : زیرکی

فرايض : جمعِ فریضه، واجبات دینی مثل نماز و
روزه

فُرس : فارس، ایران

فَرّهی : شکوه، شوکت

فُسحت : گشادگی خاطر، (فسحت حاضران : انبساط
خاطر کسانی که در مجلس حضور دارند.)

فُضایل نماز : مستحبات نماز

فَقَرّ : درویشی و در اصطلاح سالکان فنای فی الله و
نیستی سالک و بیرون آمدن از صفات خود است و این
نهایت سیر و مرتبهٔ کاملان است.

فنا : نیست شدن و در اصطلاح سقوط اوصاف
مذمومه است.

فی الجملة : خلاصه، در هر حال

ق

قباله : سند

قِتال : کشتار

قَدیم : نامی از نام‌های خدای تعالی، موجودی که
مسبق به زمان نباشد.

قُضبان : جمع قَضیب، شاخه‌های درخت

قَلع : از جا کردن و بیرون آوردن

قُماشنه : قماش، کالا، متاع از هر جنس و هر جای،

ک

کَئیب : غمگین و اندوهناک. مصدر آن در عربی
«کأبه» است.

کاره : بی میل و ناخشنود

کافور : ماده‌ای معطر؛ کافور بیختن یعنی برف
بارانیدن، برف ریختن

کافه : همه

کجاوه : محمل، هودج

کد : گدایی

کرا کردن : ارزش داشتن

کَرَجی : نوعی قایق

کَفّارت : کفّاره، هر چیز که بدان گناه را پاک گردانند
از صدقه و روزه و مانند آن

کَفّارتِ یمین : جبران سوگند خوردن، تاوان و جریمهٔ
شرعی سوگند خوردن

کَلَجِه : قسمی لباده و پالتو؛ جامهٔ آستین کوتاهی که
روی قبا می‌پوشند.

کوپال : گرز آهنی

کوس : طبل بزرگ

کوس رحلت زدن : کنایه از رسیدن وقتِ مرگ
به مناسبت آنکه هنگام حرکت کاروان، طبل را به صدا

درمی‌آوردند.

کوکبه : مجلس باشکوه، گروه مردم

گ

گَر: نوعی زره و لباس جنگی

گَز: نوعی تیر بی پر و پیکان که دو سر آن باریک و میانش ضخیم است.

گَزاف: بیهوده، بی اندازه

گَزیر: علاج، چاره

ل

لَايَه: اظهار نیاز، تَضَرُّع، التماس

لَاَف: خودستایی

لَأَلِي: جمع لؤلؤ، مرواریدها

لَقَاطِي: بازی با الفاظ و برچانگی

لِقَا: دیدار کردن، روی، چهره

لِوَا: عَلم

لِوَلِي: رند و بی سر و پا

م

مَا لَابِد: آنچه از آن گزیری نیست؛ لازم، ضروری

مَأْلُوف: الفت گرفته، خو گرفته؛ عادت مأْلُوف: رسم دیرینه، عادتِ همیشگی

مَبْرُت: نیکوی

مُبرِم: در اینجا یعنی ملالت، بی مزه گوی

مَبِيت: شب را در جایی گذراندن، بیتوته کردن

مَتَابَعَت: پیروی

مَتَرَسْلَان: نامه نگاران، نویسندگان

مَتَعَلِقَان: وابستگان

مُتَنَازِع: آن که با دیگری نزاع داشته باشد.

مَثَال: فرمان، دستور

مُجَانِبَت: دوری، کناره گیری

مَجْلِس: صورت جلسه

مُجِيب: اجابت کننده، پاسخ گو

مُحَادَنَه: با یکدیگر سخن گفتن

مَحِيط: دریا

مَخْدُوم: سرور، خداوند

مُدَاعِبَت: شوخی کردن، مزاح کردن

مِرَال: غزال، آهو

مُرْتَسِم: نقاشی شده، منقش

مُرْدَه رِيگ: ما تَرک و ارثیه

مُرْتَسِح: به تدریج پرورده و آماده گشته برای کاری

مِرْوَح: روح انگیز، آرام بخش

مَزَاد: به مزایده گذاشتن؛ در معرض فروش گذاشتن

مَزْرُوع: کاشته، کِشت

مُزَكِّي: پاک کننده، پاکیزه کننده، آن که شاهدان عادل را تزکیه و آنها را به پاکی و پارسایی توصیف کند.

مُسْتَطَاب: پاک یافته شده، پاکیزه، خوش آمده

مَشْرَع: جای ورود آب، جای نوشیدن آب، آبشخور،

ج: مشارع

مُصَرَّع: بیتی که هر دو مصراعش قافیه داشته باشد.

مُصِيب: درست اندیش، دارای رأی صحیح

مُعَالِج: علاج کننده، پزشک

مَعْتَكِف: گوشه نشین؛ کسی که برای عبادت در

اماکنی چون مسجد اقامت می کند؛ اعتکاف:

گوشه نشینی

مُعَد: آماده

مُعَدَّل: عادل شمرنده، آن که به عدالت کسی گواهی

دهد.

مُعْتَى: آوازه خوان

مَقَاتِيع: جمع مفتاح به معنای کلید

مَقَام: ماندن، سکونت

مَقَامَات: جمع مقامه، نوشته های مسجع و موزون و

پراز صنایع بدیعی و همراه با اشعار و امثال. در اینجا

یعنی حکایات

مُقْتَضَى : موجب

مِکْبَه : سرپوش

مُکَدَّرَه : تیره شده، تیره و تار

مُکْرَمَت : بزرگداشت، جوانمردی

مکیدت : حيله گری، چاره گری

مَلَّاح : ملوان، دریانورد

مُلاعِبَت : بازی کردن

مُلاقى : دیدارکننده، رویه رو شونده

مُلتَزِم : به عهده گیرنده، بر خود لازم گیرنده

مُمارِسَت : تمرین کردن، انجام دادن کاری به طور داریم

مَنابِر : جمع منبر، منبرها، منابر قضبان : تشبیه

شاخه های درختان به منابر

مَناقِشَت : سخت گیری، در تنگنا انداختن کسی

مَنجَبِيق : وسیله ای مرکب از فلاخن مانند بزرگ که

بر سر چوبی قوی تعبیه می شد و در جنگ های قدیم با

آن سنگ و آتش به طرف دشمن پرتاب می کردند (اصل

این واژه یونانی است).

منگوله : رشته هایی از ریسمان نخی یا ابریشمی که به

شکل رشته یا گلوله درست کنند و به اطراف لباس،

علم، بند پرده، بند تسیب و براق اسب می آویزند.

مُورُذ : درختچه ای با گل های سفیدرنگ که در شمال

ایران به فراوانی می روید.

موزه : چکمه، پای افزار

مَهِيْط : جای فرود آمدن، محل هبوط

مَهين (۱) منسوب به ماه؛ (۲) سست، ضعیف، خوار،

زبون

میغ : ابر

میکالی : نوعی کفش

مینا : شیشه، آبگینه رنگارنگ که در مرصع کاری

به کار می رود.

ن

نامحمود : ناپسند، زشت

نبیه : آگاه، هوشیار

نحوی : کسی که علم نحو بداند؛ لغوی و زبان دان

نَحْشَبِي : منسوب به نخشب، شهری در بخارا که

جغرافیایانویسان اسلامی آن را «نَسَف» هم نامیده اند.

نَدِيم : هم نشین شخص بزرگ، همدم

نُزْهت : خوشی و شادی

نُساك : پرهیزکاران، عابدان

نشاف : دیوانگی، بیماری دماغی

نشان : سهم و نصیب

نَعْت : وصف کردن (مخصوصاً توصیف نیکو)،

صفت، خصلت (بیشتر در مورد خدا و رسول استعمال

می شود).

نقاھت : بهبودی، سلامتی

نَقْش بَند : نگارگر، صورتگر

نقض : شکستن

نقود : سکه های طلا و نقره، نقدینه ها

نقیب : رئیس و بزرگ قوم

نیام : غلاف

نوافل : جمع نافله، نمازهای مستحبی که واجب

نیستند، مثل آیه ها و دعاهایی که بعد از نماز می خوانند.

و

والی حَرَس : رئیس پاسبانان، رئیس کشیک خانه،

جمع حارس

و ثیقَت : آنچه عهد و پیمان را استوار سازد.

و حوش : جمع وحش، حیوانات غیر اهلی

وَرْد : گل سرخ

وَرْد : دعا

وَرِست : ورس، واحد مسافت معادل ۳۵۰۰ قدم یا
۱/۰۶ کیلومتر
وَضِیع : فرومرتبه، پست

هَوَل : وحشت و ترس
هَیبت : در اصطلاح مشاهده جلال خدای تعالی است
در قلب

ی

یَمین : سوگند
یوز : نوعی پلنگ

ه

هوس پختن : آرزو داشتن، میل به دل راه دادن
هوش : مرگ

اعلام

آذرخش: عنوان کتابی از مجموعه اشعار مشفق کاشانی شاعر معاصر است.

آل صاعد: خاندانی در اصفهان که ریاست حنفیان را به عهده داشتند. افراد این خاندان، شاعر، مری و دانشمند بوده‌اند.

ابراهیم (ع): پیامبر بزرگ الهی و از پیامبران اولوالعزم و ملقب به خلیل‌الله. وی در راه گسترش توحید و یکتاپرستی مجاهدت فراوان کرد و رنج بسیار کشید تا اینکه به فرمان خداوند به مکه مهاجرت کرد و در آنجا خانه کعبه را بنا نهاد تا یکتاپرستان به سوی آن نماز گزارند و برگرد آن شعار توحید سر دهند.

ابراهیمی، نادر: از نویسندگان و قصه‌پردازان امروز است که ده‌ها مجموعه داستان و کتاب از وی منتشر شده است. بار دیگر شهری که دوست می‌داشتم و مردی در تبعید ابدی از جمله آثار اوست.

ابن مقفع، عبدالله: روزبه، اصل وی از فارس و یکی از مترجمان کتاب از زبان پهلوی به زبان عربی بوده است. از تألیفات او آیین‌نامه و ترجمه کلیده و دمنه از زبان پهلوی به زبان عربی را می‌توان نام برد.

ابوالعلائی گنجوی (گنجه‌ای): خاقانی مهارت خود را مدیون معلم و شاعر سالخورده، ابوالعلائی معزی است. ابوالعلا دخترش را به همسری خاقانی در آورد. دیری نگذشت که ابوالعلا بر اثر مشاهده نشانه‌هایی از فزونی کبر و نخوت در خاقانی از او رنجید و شعر موهن را در خطاب به او گفت.

ابوذر غفاری: منسوب به قبیله غفار، از بزرگان صحابه و از مؤمنان صدر اسلام است. گویند وی پنجمین نفری است که اسلام آورد. (وفات ۳۲ ه.ق.)

ارچاسب: نام نبیره افراسیاب که پادشاه توران بود و سرانجام، به دست اسفندیار، پسر گشتاسب کشته شد. اردکان: ۱- در قدیم شهری بزرگ بوده در دامنه کوه‌های فارس، و هم‌اکنون نیز نام مرکز شهرستان سپیدان (بر سر راه شیراز به یاسوج) در استان فارس است. ۲- شهری در استان یزد بر سر راه اصفهان- یزد که حلوا ارده آن مشهور است.

اسفندیار: از پسران گشتاسب در شاهنامه فردوسی که به دست زردشت، روین‌تن گردید (به جز از ناحیه چشم)، و پیروزی‌ها یافت و عاقبت در جنگ با رستم بر اثر تیر دو شاخه‌ای که به چشمش اصابت کرد، درگذشت.

اسلامی ندوشن، محمدعلی: در سال ۱۳۰۴ در ندوشن یزد دیده به جهان گشود. با انتشار مجموعه شعرهای «گناه» و «چشمه» به عنوان شاعر، شناخته شد. او در نثر نیز از خود هنرمندی نشان داد و کتاب‌های «در کشور شوراها»، «کارنامه سفر چین»، «آزادی مجسمه» و «صغیر سیمرخ» را نوشت. کتاب «روزها» حسب حال و زندگی نامه وی است.

آشیل: مشهورترین قهرمان یونان در داستان ایلیاد است. وی به سبب تیر مسمومی که «پاریس» به پاشنه پای او زد، کشته شد. آشیل به جز در قسمت «پاشنه‌پا» روین‌تن بود، مثل اسفندیار در اساطیر ایرانی. در ادبیات جهانی، پاشنه آشیل ضرب‌المثل ضربه‌پذیری است.

امام حسین (ع): سومین امام شیعیان و سید شهیدان که قیام و فداکاری وی و یارانش در عاشورای سال ۶۱ هجری سر مشق ستم‌ستیزی، عدالت‌خواهی و آزادگی

است. مرقد مطهر آن حضرت در کربلا الهام بخش حق طلبان و فضیلت خواهان است.

امام خمینی (م ۱۳۶۸ ه. ش.): رهبر انقلاب اسلامی و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران. سید روح‌الله مصطفوی خمینی مشهور به امام خمینی از اعظم علمای بزرگ و مراجع تقلید شیعه در عصر حاضر است. وی نزد بزرگانی چون حاج شیخ عبدالکریم یزدی، مؤسس حوزه علمیه قم، و آیت‌الله شاه‌آبادی (عارف شهیر) و آیت‌الله بروجردی درس خواند و به مقام اجتهاد و مرجعیت نایل شد. در سال ۱۳۴۱ علیه دستگاه رژیم دست‌نشانده پهلوی قیام کرد که این قیام منجر به نهضت ۱۵ خرداد ۴۲ شد و به همین سبب امام دستگیر و ابتدا به ترکیه و سپس به نجف تبعید شد. امام در نجف نیز مجاهدات سیاسی و فرهنگی خویش را ادامه داد. در سال ۱۳۵۷ که نهضت اسلامی مردم ایران اوج گرفت، امام از تبعید خارج شد و به ایران آمد و مبارزه با حکومت را تا سقوط رژیم شاهنشاهی و به پیروزی رساندن انقلاب اسلامی (۲۲ بهمن ۵۷) ادامه داد و فصل نوینی در تاریخ ایران گشود. امام خمینی در ۱۴ خرداد ۱۳۶۸ درگذشت. مرقد ایشان در جنوب تهران و در کنار بزرگ راهی که شمال و جنوب کشور را به هم می‌پیوندد واقع شده است.

انصاری، خواجه عبدالله (۴۸۱-۳۹۶ ه. ق.): معروف به «پیرهرات»، از عرفا، ادبا و بزرگان طریقتِ تصوّف در قرن پنجم است. شهرت وی بیشتر به جهت رسالات اوست که به نثر مسجّع نوشته است. از رسایل وی: مناجات‌نامه، نصایح، زادالعارفین، کنزالسّالکین، قلندرنامه، محبت‌نامه، هفت حصار و رساله دل و جان را می‌توان نام برد.

اوستا، مهرداد (۱۳۷۰-۱۳۰۸ ه. ش.): نام اصلی وی محمدرضا رحمانی و مشهور به مهرداد

اوستاست. مهم‌ترین آثار شعری او عبارت‌اند از: تیرانا، پالیزیان و امام، حماسه‌ای دیگر.

بابا افضل کاشانی: خواجه افضل‌الدین کاشانی از حکیمان بلند پایه ایران در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم است. از وی شعرهایی در قالب قطعه، غزل و رباعی به جا مانده است.

باباطاهر عریان همدانی: از شاعران و عارفان اواسط قرن پنجم که به دلیل سرودن دو بیت‌های شورانگیز به زبان ساده لُری شهرت بسیار یافت. آرامگاه این قلندر ترانه‌سرا در همدان است.

برمکیان: خاندان ایرانی که اجداد آنان عنوان برمک (رئیس) داشتند. نخستین وزیران معتبر خلفای عباسی از این خاندان برخاستند. اولین عضو مهم این خاندان، یحیی بن خالد بن برمک است. او در رساندن هارون به خلافت فداکاری‌ها کرد ولی بعدها خود و پسرانش (فضل، جعفر، محمد، موسی) مورد غضب هارون قرار گرفتند.

بوستان سعدی: سعدی‌نامه یا بوستان اثر منظوم سعدی، شاعر و نویسنده قرن هفتم است. سعدی سرودن این مثنوی را در سال ۶۵۵ آغاز کرد و آن را در ده باب سرود. او در این اثر می‌کوشد مدینه فاضله و آرمان شهر خود را به تصویر کشد.

بهار، محمدتقی (۱۳۳۰-۱۲۶۶ ه. ش.): شاعر، نویسنده، روزنامه‌نگار و محقق معاصر است. بهار علاوه بر انتشار روزنامه‌های خراسان، نوبهار و تازه‌بهار، آثار و تألیفات دیگری نیز دارد که عبارت‌اند از: دیوان اشعار، تاریخ احزاب سیاسی، سبک‌شناسی (در سه جلد) و تصحیح کتاب‌های تاریخ بلعمی، تاریخ سیستان و مُجمل‌التواریخ و القصص.

بهمن: پسر اسفندیار، که به خون خواهی پدرش که به دست رستم زال کشته شده بود، خاندان زال‌زر را

بر انداخت و زال را به زندان آهین در افکند.

بیت الحرام : بیت الله الحرام. کعبه، خانه خدا؛ بنایی است شبیه به انگشتری و طرح آن تقریباً به شکل مکعب غیر منتظم است. این خانه را حضرت ابراهیم بنا نهاد و آن را خانه خدا قرار داد.

پشوتن : پسر گشتاسب پادشاه ایران است که طبق سنت زردشتیان، زردشت به او شیر و نان مقدس داد و فناپذیر و جاودانش کرد.

پورنامداریان، تقی (متولد ۱۳۲۰) : استاد، محقق و نویسنده معاصر. از جمله آثار وی کتاب‌های سفر در مه، خانه ام ابری است، رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی و داستان پیامبران در کلیات شمس است. **تلخک** : اصل این عنوان مأخوذ است از نام شخص بذله‌گو و شیرین‌کاری به نام طلحک که معاصر محمود غزنوی بوده است. کلمه دلخک نیز محرف همین کلمه است.

ثابت محمودی، سهیل : سید حسن ثابت محمودی متخلص به «سهیل» در سال ۱۳۳۹ در تهران متولد شد. وی با سرودن شعر و برداختن قصه وارد عرصه هنر و ادبیات شد. «فصلی از عاشقانه‌ها» عنوان مجموعه غزل‌ها و «دریا در غدیر» از دیگر آثار این شاعر است.

جامی : نورالدین عبدالرحمان جامی از شاعران و نویسندگان قرن نهم ه.ق. است. آثار وی عبارت‌اند از: دیوان کامل اشعار، مثنوی هفت اورنگ به نظم و کتاب بهارستان و نفحات الانس به ثر.

جاویدنامه : سفرنامه‌ای تخیلی از علامه محمد اقبال لاهوری شاعر، نویسنده و متفکر پاکستانی است. وی افکار عرفانی و نظریات سیاسی اجتماعی خود را در قالب این سفرنامه بیان کرده است. راهنمای اقبال در این سفر روحانی، جلال‌الدین محمد بلخی (مولوی)

است. نویسنده در این کتاب راه رستگاری را به بشر نشان داده و تأثیر دین الهی را در تعالی جوامع بشری یادآوری کرده است.

جُحی (= جوحي = جُحَا) : از احق نمایان معروف که در ادبیات عرب مثل حماقت گردیده و حکایت‌هایی از وی نقل شده است.

چاه مقنّع : چاهی است که هاشم (هشام) بن حکیم معروف به المقنّع، از دبیران ابومسلم خراسانی، نزدیک نَخشب (= نَسَف) ساخت و چرمی نورانی را در آن به نحوی تعبیه کرد که هر شب از چاه برمی‌آمد و بعد از زمانی نورافشانی به چاه فرو می‌رفت این چرم نورانی به ماه نخشب معروف است و گویند که از ده فرسنگی دیده می‌شده است. المقنّع که بر خلیفه اسلام قیام کرده بود، به سال ۱۶۱ هجری گشته شد.

چَلَبی، حسام‌الدین : از شاگردان جلال‌الدین محمد بلخی (مولوی) است که مولانا را به سرودن مثنوی معنوی برانگیخت. حسام‌الدین که میل و اشتیاق مریدان مولانا را به قرائت منظومه‌های عرفانی سنایی و شیخ عطار می‌دید، از مولوی خواست که منظومه‌ای مثنوی به همان شیوه بگوید. مولانا پذیرفت و از آن پس، در مواقعی که شور و حالی داشت، اشعاری بر وزن منطق الطیر عطار و الهی‌نامه سنایی می‌سرود و حسام‌الدین آنها را می‌نوشت. این منظومه در شش دفتر گردآوری شده است.

حاکمی، دکتر اسماعیل : استاد دانشگاه تهران و محقق و پژوهنده معاصر. عمده آثار وی در زمینه تصحیح نسخه‌های خطی است از جمله تصحیح جوامع الحکایات و بهارستان جامی و تألیف کتاب‌های ادبیات معاصر و سماع در تصوف.

حدّادی، محمود : از مترجمان معاصر است که کتاب شعرهای منثور تورگنیف را ترجمه کرده است.

حسنک وزیر : ابوعلی حسن بن محمد میکال (میکالی) معروف به حسنک (مقتول به سال ۴۲۲ ه.ق.) از خاندان میکائیلیان است و در قرن چهارم و پنجم از شهرت، نعمت و نفوذ بسیار برخوردار بود. حسنک در زمان سلطنت سلطان محمود غزنوی، وزارت داشت ولی زمانی که مسعود غزنوی به سلطنت رسید، به بهانه اینکه خلیفه بغداد، حسنک را قرمطی خوانده بود، او را به دار آویخت.

حسینی، سیدحسن (متولد ۱۳۳۵) : نویسنده، مترجم و شاعر معاصر است. برخی آثار او عبارت‌اند از: بزرگ‌ها (جمالات کوتاه در باب شعر و هنر)، حمام روح (ترجمه)، هم صدا با حلق اسماعیل (مجموعه شعر) و گنجشک و جبرئیل (مجموعه شعر).

حضرت معصومه (س) : دختر امام موسی کاظم (ع) و خواهر امام علی بن موسی الزضا (ع) است. مرقد مطهر حضرت معصومه در شهر قم است.

ختموی، سعدالدین : از شاگردان و مریدان شیخ نجم‌الدین کبری و از صوفیان قرن هفتم بوده است. خواجه کرمانی، کمال‌الدین (۷۵۳ - ۶۸۹) : وی در غزل‌سرایی پیرو شیوه سعدی است و روش خواجه مورد پسند حافظ، شاعر بزرگ قرن هشتم قرار می‌گیرد. خواجه علاوه بر دیوان اشعار، خمسه‌ای به سبک حکیم نظامی گنجوی سروده که شامل مثنوی‌های هُمای و همایون، گل و نوروز، کمال‌نامه، روضه‌الانوار و گوهرنامه است. آرامگاه خواجه در تنگ‌الله اکبر شیراز است.

خوارزمشاه، جلال‌الدین : آخرین پادشاه سلسله خوارزمشاهیان. وی قریب ده سال در برابر مغولان مقاومت کرد ولی نتوانست کاری از پیش ببرد و شکست خورد.

خوارزمشاه، محمد : از سلاطین خوارزمشاهی که

قسمت عمده ایران و ممالک قراختاییان و غزنین را به تصرف درآورد ولی سرانجام، مغلوب چنگیز مغول شد و به جزیره آبسکون پناه برد.

ذوالقرنین : در لغت به معنی دارنده دو شاخ است. نام او در قرآن آمده است و او مرد مقتدری بوده است که با ساختن سدّی مانع تجاوز و ستمگری قوم یاجوج و مأجوج شد. پاره‌ای از موزخان اسکندر مقدونی و پاره‌ای کوروش هخامنشی را همان ذوالقرنین دانسته‌اند، اما در صحت نظر آنها تردید وجود دارد. رشیدالدین : فرزند خاقانی، قصیده‌سرای قرن ششم ه.ق. که در بیست سالگی درگذشت و حادثه مرگ او در خاقانی تأثیر بسیار گذاشت چنان که قصیده‌ای در سوک فرزند سرود که از قصاید مشهور در ادبیات فارسی به شمار می‌رود.

رودابه : دختر مهرب، پادشاه کابل، همسر زال و مادر رستم.

رودکی، ابو عبدالله جعفر بن محمد : معروف به پدر شعر فارسی، از شاعران عصر سامانی است که در سرودن قصیده‌های مدحی و وصفی استاد بود و به سبک خراسانی یا ترکستانی شعر می‌سرود. از آثار رودکی کلیله و دمنه منظوم است که چند بیتی از آن باقی مانده است. هم‌چنین مثنوی سندبادنامه را به وی نسبت داده‌اند.

زال : از پهلوانان شاهنامه که او را زال زر نیز خوانده‌اند. وی پسر سام و پدر رستم است.

زال و رودابه : از داستان‌های عاشقانه شاهنامه فردوسی است. زال پس از نجات از البرز کوه به همراهی پدر به سوی کابل می‌رود. در آنجا رودابه دختر مهرب کابلی را می‌بیند و عاشق او می‌شود. پس از طی فراز و نشیب‌های فراوان این دو به هم می‌رسند که حاصل ازدواج آنها رستم دستان، پهلوان حماسی

ایران می‌گردد.

زاولستان (= زابلستان) : ایالت زابل؛ ناحیه‌ای که در جنوب بلخ و مشرق خراسان و سیستان و شمال بلوچستان واقع بود و مرکز آن غزنین نامیده می‌شد.

زرکوب، صلاح‌الدین : مردی امی از مردم قونیه بود و در این شهر به شغل زرکوبی، روزگار می‌گذراند. در آغاز مرید برهان‌الدین محقق ترمذی بود و پس از دیدار مولانا به او ارادت بسیار پیدا کرد.

زلیخا : نام زن «عزیز مصر» که فریفته جمال یوسف (ع) شد ولی چون یوسف (ع) به او رغبت نشان نداد توطئه‌ای ترتیب داد و یوسف (ع) را به زندان انداخت. قصه یوسف از قصه‌های مشهور قرآن است.

زواره : پسر زال و برادر رستم است.

زوزنی، خواجه بوسهل : از رجال عهد مسعود غزنوی است که در سال ۴۳۰ ه.ق. بعد از وفات بونصر مشکان رئیس دیوان رسالت گردید.

سپهری، سهراب (۱۳۵۹-۱۳۰۷ ه.ش.) : اهل کاشان بود. وی را نخستین پیروان راه نیما دانسته‌اند. نخستین مجموعه شعر نیمایی او «مرگ رنگ» و مجموعه شعرهای بعدی اش زندگی خواب‌ها، آواز آفتاب، شرق اندوه و حجم سبز است. مجموعه اشعار سپهری با عنوان «هشت کتاب» در خرداد ۱۳۵۶ منتشر شد.

سرگذشت کندوها : کتابی از جلال آل احمد. آل احمد این داستان را به صورت یک داستان تمثیلی نوشته است، و هدف او پرداختن به مسائل مربوط به ملی شدن نفت ایران در اواخر دهه ۲۰ و اوایل دهه ۳۰ شمسی است.

سعدبن ابوبکر بن سعد زنگی : از اتابکان سلغری فارس و معاصر سعدی (متوفی ۶۵۸ ه.ق.) وی حامی و مرتبی اهل علم و ادب بود. سعدی از خواص اوست

و تخلص خود را از نام او گرفته و دیباچه گلستان را به اسم او پرداخته است.

سعدی : شیخ مصلح‌الدین سعدی شیرازی، سخنور نامدار قرن هفتم ه.ق. در جوانی به بغداد رفت و پس از تحصیل در نظامیه بغداد، با توشه‌ای از دانش و تجربه به شیراز برگشت. بوستان (منظوم) و گلستان (مثنوی مسجع با اشعار نغز) از جمله آثار اوست.

سفینه طالبی : از آثار عبدالرحیم طالبوف (فوت ۱۳۲۹) از نویسندگان عصر قاجار است. این کتاب در سه جلد به چاپ رسیده است. نام دیگر سفینه طالبی کتاب احمد است.

سیف فرغانی، سیف‌الدین محمد : از شاعران قرن هشتم که سبک شعری اش به شیوه سخنوران خراسان نزدیک است. از وی دیوان شعری به یادگار مانده است.

سیمرغ : عنقا، پرنده‌ای اساطیری در ادبیات ایران. در شاهنامه فردوسی سیمرغ زال پسر سام را از کوه البرز برگرفت و پرورش داد. پس از چند سال سام به جست‌وجوی پسر رفت. سیمرغ زال را به پدر باز پس داد و پری از برهای خود را به زال داد تا هر وقت محتاج کمک شود آن را در آتش بیندازد تا سیمرغ به سوی وی بشتابد.

شاهنامه فردوسی : حماسه ملی ایران. فردوسی به نظم کشیدن شاهنامه را حدود سال ۳۷۰ ه.ق. آغاز کرد و بیست و پنج یا سی سال برای سرودن این حماسه ملی رنج کشید.

شاهنامه در کمتر از شصت هزار بیت و در قالب مثنوی سروده شده است. این کتاب مجموعه‌ای از تاریخ و فرهنگ قوم ایرانی است.

شهبستری، شیخ محمود : از عارفان مشهور قرن هشتم که رسایلی در مباحث عرفانی تألیف کرده است.

از آثار منشور او می‌توان به «حق‌الیقین» اشاره کرد. مهم‌ترین اثر منظوم شبستری نیز مثنوی «گلشن‌راز» است.

شریعتی، علی (۱۳۵۶-۱۳۱۲): متفکر انقلابی معاصر. وی فرزند استاد محمدتقی شریعتی بود. در مزیان سبزوار متولد شد. تحصیلات عالی خود را در دانشگاه مشهد به پایان رساند و برای ادامه تحصیل، به فرانسه رفت و در رشته جامعه‌شناسی و تاریخ ادیان به دریافت درجه دکترا نایل شد. از کتاب‌های او: فاطمه فاطمه است، کویر و هبوط را می‌توان نام برد. صفی، فخرالدین علی: از مؤلفان و شاعران معروف قرن نهم است. کتاب لطائف الطوائف و انیس العارفین از تألیفات و منظومه محمود و ایاز از سروده‌های اوست.

طاق بستان: دهکده‌ای که در کنار راه قدیم سنندج به کرمانشاه واقع شده است. این محل به مناسبت داشتن حجاری‌های عهد ساسانی اهمیت بسیار دارد.

طالبوف، عبدالرحیم (متوفی به سال ۱۳۲۹ ه. ق.): نویسنده دوره مشروطیت است و از آثار و تألیفات اوست: مسالک‌المحسنین، سیاست طالبی، سفینه طالبی یا کتاب احمد، مسائل الحیات و نخبه سپهری. عبدوس: از رجال دربار سلطان مسعود غزنوی و از نزدیکان و معتمدان او بوده است.

عراقی، فخرالدین: شاعر و عارف بزرگ ایرانی که آثار ممتازی در قلمرو عرفان از خود به یادگار گذاشته است. از جمله: دیوان اشعار، عشاق‌نامه و لمعات (به نشر و نظم فارسی).

علی‌بن ابی‌طالب (ع): ملقب به امیرالمؤمنین، اسدالله، حیدرکزار، ابوتراب و... نخستین امام شیعیان و شهید عدالت در هنگام ادای نماز در محراب کوفه است. مجموعه سخنان وی با عنوان نهج البلاغه حاوی

ژرف‌ترین و زیباترین درس‌های زندگی است. عمار: فرزند یاسر و سمیه؛ او و پدرش از نخستین کسانی بودند که به اسلام گرویدند و در راه نشو این دین الهی رنج و عذاب فراوانی را متحمل شدند. عمار از یاران علی بود که در سن کهولت در جنگ صفین به شهادت رسید. عمار یاسر به سبب زهد و تقوای بسیار از نمونه‌های تعبد و پرهیزگاری است.

عُمان: دریایی در قاره آسیا و جنوب ایران که امتداد دریای هند به طرف شمال است و از راه تنگه هرمز به خلیج فارس می‌پیوندد.

عنصری: شاعر عهد غزنوی. ابوالقاسم، حسن‌بن احمد عنصری پس از روی آوردن به شعر و ادب، در اوایل حکومت محمود غزنوی به سلطان غزنه معرفی شد و توانست به عنوان ملک‌الشعرایی نایل شود. اگر چه بیشتر اشعار او در قالب قصیده است اما در سرودن مثنوی نیز دستی داشته و مثنوی‌های شادبهر و عین‌الحیات و سرخ‌بت و خنگ‌بت از آثار اوست. عیسی (ع): از پیامبران بزرگ الهی. پسر حضرت مریم و ملقب به مسیح؛ او از پیامبران اولوالعزم است و کتاب آسمانی‌اش «انجیل» نام دارد.

غزالی‌نامه: شرح زندگی، آثار و احوال امام محمد غزالی است که استاد جلال‌الدین همایی آن را تألیف کرده است.

غزنوی، محمود: در سال ۳۸۷ ه. ق. در بلخ به جای پدر (سبکتگین) بر تخت نشست و سپس، شهر غزنه را مرکز حکومت خود قرار داد. به تشویق او، شاعران و نویسندگان بسیاری در این شهر آثار و تألیفات و اشعار خود را پدید آوردند. وی برای رقابت با سامانیان، بساط شاعرپروری و حمایت از شعر فارسی را بگستراند. معروف‌ترین شاعران دربار او عنصری، فرخی، فردوسی و کسایی بوده‌اند.

غزنوی، مسعود: پسر محمود سبک‌گین، از پادشاهان غزنوی بود. در عهد پدرش، والی اصفهان گشت. چون پس از درگذشت پدر، اهالی غزنه با محمد، برادر مسعود، بیعت کردند، مسعود به قصد سلطنت به طرف غزنه حرکت کرد؛ مردم آنجا با وی بیعت کردند و او توانست سرزمین‌های بسیاری را تصرف کند و قلمرو خود را گسترش دهد و بر تخت پادشاهی بنشیند.

فرامرز: پسر رستم، پهلوان بزرگ ایرانی. وی در بسیاری از جنگ‌های ایران و توران شرکت داشت. فردوسی: حکیم ابوالقاسم فردوسی، شاعر بزرگ حماسه سرای ایران است. وی که در خانواده‌ای دهقان متولد شده بود، شاهنامه را پس از اتمام کتاب شاهنامه، آن را به سلطان محمود غزنوی تقدیم کرد ولی بنابه دلایلی، این اثر حماسی مورد توجه سلطان قرار نگرفت و فردوسی را رنجیده خاطر کرد.

فروغی بسطامی، میرزا عباس: از شاعران عصر قاجار. هنر فروغی در غزل‌سرایی و سرمشق کار او غزل‌های سعدی و حافظ است. وی ابتدا تخلص «مسکین» داشت و بعدها تخلص «فروغی» را برای خود برگزید.

فصلی از عاشقانه‌ها: مجموعه غزل‌های ثابت محمودی (سهیل) است که در شهریور ۱۳۶۹ به چاپ رسید.

فنون بلاغت و صناعات ادبی: کتابی از استاد جلال‌الدین همایی و از مراجع معتبر در زمینه بلاغت و از نخستین درس‌نامه‌ها در این زمینه است.

فین: بخشی از کاشان که به سبب کثرت آب و درختان و هوای مناسب، از تفریحگاه‌های مردم است. از آثار قدیمی فین، باغ شاه متعلق به دوره صفویه است. میرزا تقی‌خان امیرکبیر در حمام فین کاشان به قتل رسید. قبادیانی، ناصر خسرو: شاعر قصیده‌پرداز که در

چهل سالگی بر اثر خوابی که دید متحول شد و دست از همه علاقه‌ها شست و به سفر حجاز و شام و مصر و مغرب رفت. در مصر، پس از دریافت عنوان «حجت» به فرمان خلیفه فاطمی، مأمور تبلیغ آیین اسماعیلیه در خراسان شد و در این راه، سختی‌های بسیاری را تحمل کرد. ناصر خسرو سرانجام، در سال ۴۸۱ ه.ق. در تنهایی و فراموشی در درهٔ یمگان غریبانه جان سپرد. دیوان اشعار، سفرنامه، زادالمسافرین و جامع‌الحکمتین از آثار اوست.

قدسی، غلام‌رضا: از شاعران معاصر ایران است که در قالب‌های سنتی طبع آزموده است و دیوانی از او بر جای است.

قرمطی: پیرو فرقهٔ قرامطه؛ قرامطه، گروهی از فرقهٔ اسماعیلیه بودند که در اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم، میان آنها و اسماعیلیان مبارزهٔ شدیدی در عراق و ایران آغاز شد و در زمان سلطان محمود غزنوی بسیار شدت گرفت.

قمربنی هاشم: لقب حضرت ابوالفضل العباس فرزند حضرت علی (ع)، مشهور به پرچمدار کربلا که در عاشورای سال ۶۱ هجری به شهادت رسید.

قُنُقُلِیان: جمع قُنُقُلِی، طایفه‌ای از ترکان شمال خوارزم؛ مادر محمد خوارزمشاه به این قبیله منسوب بود.

کابلستان: در قدیم به خطه‌ای وسیع و مرتفع حوضه رود کابل که اکنون قسمت شمال شرقی افغانستان را تشکیل می‌دهد اطلاق می‌شده است. در شاهنامه بین کابل و کابلستان تفاوتی نیست.

کتایون: دختر پادشاه روم و همسر گشتاسب و مادر اسفندیار.

کرمان: ناحیه‌ای در اطراف غزنین بوده است و در حال حاضر نام یکی از استان‌های جنوبی ایران است.

کشف الاسرار و عُدَّة الابرار : از تفاسیر فارسی قرآن. ابوالفضل رشیدالدین میبیدی در سال ۵۲۰ هـ.ق. این کتاب را در شرح و بسط و تفسیر قرآن خواجه عبدالله انصاری نوشت. او در این کتاب، آیات قرآن را در سه نوبت تفسیر می‌کند و شاهکار هنری او در نوبت سوم است.

کلیده و دمنه : کتابی است که آن را به دستور انوشیروان از هندوستان به ایران آوردند و به زبان پهلوی ترجمه کردند. در قرن دوم هـ.ق. ابن مقفع این کتاب را به عربی ترجمه کرد و در زمان سامانیان، رودکی آن را به شعر فارسی درآورد. در سال ۵۳۶ هـ.ق. ابوالعالی نصرالله منشی، کتاب کلیده و دمنه ابن مقفع را با نثری فصیح و زیبا به فارسی برگرداند. موضوع این کتاب، تمثیل‌ها و داستان‌هایی است که از زبان حیوانات، به ویژه دو شغال به نام‌های کلیده و دمنه نقل می‌شود.

کلیم همدانی، میرزا ابوطالب (۱۰۶۱-۹۹۰ هـ.ق.) : معروف به کلیم کاشانی، شاعر عصر صفوی که در اغلب قالب‌های شعری طبع آزمایی کرده است. وی را به سبب کثرت مضمون‌های ابداعی، خلاق المعانی ثانی (بعد از کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی) لقب داده‌اند. علاوه بر دیوان اشعار، مثنوی «فتوحات شاه جهانی» از آثار اوست.

کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی : وی در شعر و شاعری حتی از پدر خود، جمال‌الدین محمدبن عبدالرزاق اصفهانی، گوی سبقت را ربود. کمال‌الدین در خلق معانی تازه دستی توانا داشت و از این رو به «خلاق المعانی» مشهور بود. وی در مدح بزرگان اصفهان، به ویژه آل صاعد، اشعاری سروده است. کمال‌الدین در سال ۶۳۵ در اصفهان به دست مغولان به قتل رسید.

کیمیایگر، دکتر مسعود : از طنزپردازان معاصر است

که نوشته هایش با نام مستعار گل پسر در هفته‌نامه «گل آقا» منتشر می‌شود.

گشتاسب : پسر لهراسب، پادشاه کیان که در سی‌امین سال سلطنتش، زرتشت ظهور کرد. چون گشتاسب زرتشت را پذیرفت، مورد دشمنی ارجاسب تورانی قرار گرفت و میان ایشان جنگ‌ها در گرفت و سرانجام، ارجاسب به دست اسفندیار روین تن، فرزند گشتاسب، کشته شد.

گل آقا : مجله طنز گل آقا در سال ۱۳۶۹ منتشر شد و با استفاده از شعر، نثر و کاریکاتور جایگاه ویژه‌ای برای خود ایجاد کرد.

گلستان سعدی : شاهکار هنر نویسندگی و بلاغت فارسی است. سعدی در سال ۶۵۶ هـ.ق. این کتاب را در هشت باب و در قالب نثر مسجع تألیف کرد. او در خلال قسمت‌های مختلف این کتاب، از اشعار فارسی و گاه تازی و آیات و احادیث نیز استفاده کرده است. گلشن راز : از زیباترین منظومه‌های عرفانی است که شیخ محمود شبستری، عارف مشهور قرن هشتم آن را در سال ۷۱۷ در پاسخ به پرسش‌های امیرحسینی سادات هروی سروده است. در مثنوی گلشن راز، اساس عقاید عرفانی، با عباراتی ساده در هزار بیت بیان شده است.

لهراسب : از پادشاهان کیانی و پدر گشتاسب. کیخسرو تخت پادشاهی را به وی بخشید و او نیز سرانجام سلطنت را به فرزندش گشتاسب واگذار کرد و خود به عبادت پرداخت.

لیلی و مجنون : از عرایس و عشاق ادب فارسی هستند که پیرامون عشق آنها منظومه‌های متعددی سروده شده است. از جمله معروف‌ترین آنها می‌توان به لیلی و مجنون نظامی گنجوی، عبدالرحمان جامی و مکتبی شیرازی اشاره کرد.

مترلینگ، موریس: نویسنده بلژیکی. شاهکار وی «پرنده آبی» است که در طول پانزده سال به ۶۵ زبان دنیا ترجمه شد. دیگر آثار او عبارتند از: شاهزاده خانم مالن، عقل و سرنوشت و مورچگان.

مجالس سبعه: مجموعه‌ای است از هفت مجلس از مجالس‌های مولوی که با عبارت‌هایی شیوا و ساده و همراه با معنی‌های مختلف عرفانی و توضیح و تفسیر آیه‌های قرآنی و حدیث‌ها و مثل‌ها و شعرهای تازی و پارسی آورده شده است.

مدرس، سیدحسن (۱۳۵۷-۱۲۸۷ ه.ق.):
از رجال روحانی و سیاسی دوره مشروطیت و اوایل دوره پهلوی است. تحصیلات خود را در اصفهان شروع کرد و در محضر عالمان بزرگ نجف به پایان برد و در بازگشت به اصفهان به تدریس پرداخت. وی از نمایندگان دوره دوم و دوره‌های بعد از آن بود. مبارزات وی با رضاشاه پهلوی در تاریخ معاصر از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

مشهد اردهال: یکی از دهستان‌های بخش قمصر شهرستان کاشان. این دهستان، ناحیه‌ای کوهستانی و خوش آب و هواست و از آثار قدیمی آن مقبره امامزاده سلطان علی فرزند امام محمد باقر (ع) و شاهزاده حسین را می‌توان نام برد. آرامگاه سهراب سپهری نیز در این محل است.

مشیری، فریدون: از شاعران نوپرداز و غزل‌ساز معاصر است.

مصباح الیهاده و مفتاح الکفایه: از آثار عزالدین محمودبن علی کاشانی از دانشمندان و عارفان قرن هفتم و هشتم هجری است. این کتاب یکی از آثار مهم فارسی در شرح اصول و مبانی تصوف است و استاد جلال‌الدین همایی مقدمه‌ای مفصل بر آن نگاشته و آن را تصحیح کرده است.

مطهری، مرتضی: روحانی دانشمند و متفکر بزرگ معاصر. در فرمان مشهد به دنیا آمد و پس از به پایان رساندن تحصیلات حوزوی، در دانشگاه تهران و حوزه به تدریس پرداخت. کتاب‌های: مقدمه‌ای بر جهان‌بینی توحیدی، عدل الهی، تماشگاه راز، جاذبه و دافعه علی (ع) و انسان و سرنوشت از جمله آثار اوست. وی که رئیس شورای انقلاب اسلامی بود در شب ۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۸ به شهادت رسید.

معتز: محمد بن متوکل، سیزدهمین خلیفه عباسی که دوران خلافتش سه سال بود.

منشی، ابوالعالی نصرالله: وی دبیر بهرام شاه غزنوی بود و در زمان خسروشاه به سعادت حاسدان مورد خشم سلطان قرار گرفت و سرانجام به اشاره پادشاه به قتل رسید.

نصرالله منشی با ترجمه کتاب کلیله و دمنه، نام خود را در عرصه ادبیات جاودانه کرد.

منطق الطیر: زبان پرندگان. از مثنوی‌های عرفانی شیخ فریدالدین عطار نیشابوری است و حدود ۴۶۰ بیت است.

منطق الطیر داستان گروهی از پرندگان است که برای دیدن سیمرغ که پادشاه آنهاست به راهنمایی هدهد حرکت می‌کنند و در مسیر خود از هفت مرحله پر خوف و خطر می‌گذرند. در هر مرحله گروهی از مرغان از راه باز می‌مانند. سرانجام، از انبوه مرغانی که قصد دیدار سیمرغ را داشتند، تنها سی مرغ باقی می‌مانند. موش و گربه: از آثار منظوم عبید زاکانی، شاعر و نویسنده طنزپرداز قرن هشتم است. این منظومه حکایتی تمثیلی است که عبید در آن به‌طور غیرمستقیم، وضع جامعه و طبقات مختلف حاکمان و قاضیان را مورد انتقاد قرار می‌دهد. این منظومه را می‌توان اثری کاملاً سیاسی دانست.

مولوی، جلال الدین محمد (۶۷۲-۶۰۴ ه.ق.): از بزرگ ترین شاعران و عارفان ایرانی است. برهان الدین محقق ترمذی از استادان او و حسام الدین چلبی و صلاح الدین زرکوب از مریدان و دوستدارانش بوده اند. تحوّل درونی و انقلاب شگرف زندگی این عارف دل سوخته، پس از برخورد با عارفی به نام محمد شمس تبریزی روی داد؛ به طوری که مولانا پس از جدایی از شمس، در فراق او زیباترین غزل های پرشور عرفانی را سرود که به «غزلیات شمس» شهرت یافت. مجموعه آثار او شامل مثنوی و غزلیات شمس به نظم و فیه مافیه، مجالس سبعه و مکاتیب به نثر است. میبیدی ابوالفضل: صاحب تفسیر معروف عرفانی کشف الاسرار و عُدّة الابرار است که در سال ۵۲۰ هجری قمری تألیف شده است.

میرزا کوچک خان: از مبارزان راه آزادی ایران. نام وی میرزا یونس بود. نخست در لباس روحانیت بود که به کمک آزادی خواهان مجمع روحانیان را با هدف اتحاد دنیای اسلام تشکیل داد. اعضای این اتحادیه قسم یاد کردند متجاوزان را از ایران اخراج کنند؛ به همین منظور در جنگل های گیلان نهضت جنگل را سازمان دهی کرد و سرانجام با سرکوبی رضاشاه، شهید شد.

میرصادقی، جمال (متولد ۱۳۱۲): نویسنده و داستان نویس معاصر. نخستین مجموعه داستان های کوتاه او با نام «شاهزاده خانم سبزچشم» نشان دهنده توانایی او در داستان نویسی است. از دیگر آثار میرصادقی می توان به داستان مسافره های شب، شب چراغ و چشم های من خسته اشاره کرد. میمنندی، خواجه احمد حسن: مقصود احمد بن حسن میمنندی است که از سال ۴۰۱ تا ۴۱۶ ه.ق. وزیر

محمود غزنوی بود و مسعود نیز در اوایل سلطنت خود، مقام وزارت را به او داد و وی تا سال وفاتش (۴۲۴ ه.ق.) در این مقام باقی ماند.

نابین: در ۱۳۰ کیلومتری جنوب شرقی اصفهان در ناحیه ای هموار قرار دارد و هوای آن نسبتاً معتدل است.

نَسفی، عزیزالدین: عارف و نویسنده قرن هفتم که از مردم نَسَف خوارزم بود. مهم ترین اثر او «انسان کامل» در بیان شریعت و طریقت و حقیقت و سیر و سلوک عارفانه است. اثر دیگر وی «کشف الحقایق» به نثری فصیح نوشته شده است و از آثار مهم عرفانی ادبی قرن هفتم به شمار می رود.

نطنز: شهری از شهرهای استان اصفهان که در دامنه کوه کرکس واقع شده است. نطنز در قسمت کوهستانی، هوایی سرد و در قسمت دشت و شنزار، هوایی معتدل دارد. در این شهر بناهایی از دوره های ساسانیان و سلجوقیان به جای مانده است.

نظامی گنجه ای: از شاعران قرن ششم که به سبب سرودن خمسه یا پنج گنج به شهرت بسیار دست یافت. نظامی استاد داستان های بزمی است و داستان سرایی را به اوج خود رسانده است.

نمرود: لقب پادشاه کلد (بابل). نمرود از آن جهت که پادشاه معاصر ابراهیم (ع) بوده است، در داستان ها و تفسیرهای اسلامی شهرت دارد.

نیکلسون (= نیکلسن)، رینولد: دانشمند و شرق شناس انگلیسی. بزرگ ترین خدمت او به ادبیات فارسی، تصحیح و ترجمه مثنوی مولوی است. برخی از آثارش عبارت اند از: تذکرة الاولیاء (عطار)، تحقیقات درباره تصوف اسلامی، تحقیقات درباره شعر اسلامی و عرفای اسلام.

وادی الثری: محلی در سر راه مدینه به شام که شامل دهکده‌های بسیار است.

هروی، امیرحسینی سادات: از بزرگان و عارفان قرن هفتم و هشتم است. سخن‌امیرحسینی به خصوص در مثنوی‌ها بسیار ساده و روان و خالی از تکلف است. شیخ محمود شبستری مثنوی گلشن‌راز را در پاسخ به هفده پرسش منظوم امیرحسینی هروی سرود. همایی، جلال‌الدین (۱۳۵۹-۱۲۷۸ ه. ش.): در اصفهان متولد شد. وی از چهره‌های برجسته ادب فارسی و عربی معاصر است. در شاعری «سنا» تخلص می‌کرد. از استاد همایی علاوه بر آثاری چون غزالی‌نامه، تاریخ ادبیات، فنون بلاغت و صناعات ادبی و ... اشعار و مقالات فراوانی در زمینه عرفان و ادب فارسی باقی مانده است.

یغمای جندقی، رحیم (میرزا ابوالحسن): در سال ۱۱۹۶ ه. ق. در «خور» مرکز اصلی ولایت جندق به دنیا آمد. او در آثار منظوم و منثور خود، فجایع زورمندان عصر خویش را در قالب هجو و هزل‌های تند و بی‌پروا بر ملا می‌کند. یغمای جندقی در هشتاد سالگی فوت کرد و آرامگاهش

در امام‌زاده داود است.

یوسف (ع): از پیامبران بنی اسرائیل. پدرش یعقوب پیامبر (ع) و مادرش راحیل است. در خردسالی برادرانش از حسادت بسیار، او را به صحرا بردند و در چاهی افکندند. جماعتی از کاروانیان که از آنجا می‌گذشتند، یوسف (ع) را از چاه درآوردند و او را در مصر فروختند. یوسف (ع) پس از رنج‌ها و مشقات فراوان، سرانجام به مقام فرمانروایی (عزیزی) کشور مصر رسید.

یوسفی، غلامحسین (۱۳۶۹-۱۳۰۶): استاد دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد و محقق و مترجم توانای معاصر؛ از وی آثاری در زمینه تألیف (چشمه روشن، دیداری با اهل قلم، برگ‌هایی در آغوش باد)، تصحیح (گلستان سعدی، بوستان سعدی، قابوس‌نامه) و ترجمه (شيوه‌های نقد ادبی و انسان دوستی در اسلام) باقی مانده است.

یونان: در قدیم سرزمین یونان به مناطقی تقسیم شده بود. تاریخ جدید یونان از زمانی آغاز می‌شود که از دولت عثمانی جدا شد و استقلال یافت. در حال حاضر این کشور در جنوب شرقی اروپا قرار گرفته است.

منابع و مأخذ

- آذرخش، مجموعه اشعار مشفق کاشانی، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۶۵.
- ادبیات توصیفی ایران، دکتر لطفعلی صورتگر، ۱۳۴۷، تهران، کتابخانه ابن سینا.
- انواع ادبی، دکتر سیروس شمیسا، انتشارات فردوس، چاپ دوم، ۱۳۷۳.
- انواع ادبی و شعر فارسی، دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، مجله خرد و کوشش (تجدید چاپ در مجله رشد ادب فارسی)، علمی، ۱۳۶۸.
- انسان کامل، عزالدین محمد نسفی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۵۹.
- با کاروان حله، عبدالحسین زرین کوب، تهران، انتشارات جاویدان، ۱۳۵۷.
- برگزیده داستان‌های کوتاه، جمال میرصادقی، تهران، مؤسسه فرهنگی ماهور، ۱۳۶۸.
- بوستان سعدی، به تصحیح دکتر غلامحسین یوسفی، انتشارات خوارزمی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۸.
- تاریخ ادبیات ایران، دکتر ذبیح‌الله صفا، انتشارات فردوس، چاپ جدید، ۱۳۷۵.
- تاریخ بیهقی، ابوالفضل بیهقی، به تصحیح دکتر علی اکبر فیاض، چاپ دوم، مشهد، ۱۳۵۶.
- تبسم‌های شرقی، زکریا اخلاقی، محراب اندیشه، ۱۳۷۲.
- چون سبوی تشنه، دکتر محمد جعفر یاحقی، نشر جامی، ۱۳۷۵.
- حديقة الحقیقه و طریقه الشریعه، سنایی غزنوی، به تصحیح مدرس رضوی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۸.
- خمسه نظامی گنجوی، تصحیح وحید دستگردی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۵.
- داستان داستان‌ها، دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن، انتشارات داستان، ۱۳۶۹.
- دیوان حافظ، به تصحیح محمد قزوینی، قاسم غنی، انتشارات زوار، ۱۳۶۹.
- دیوان رودکی، به کوشش خلیل خطیب رهبر، بنگاه مطبوعاتی صفی‌علیشاه، ۱۳۴۵.
- دیوان سیف فرغانی، چاپخانه دانشگاه تهران، ۱۳۴۱.
- دیوان فروغی بسطامی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۴۸.
- دیوان فیضی دکنی، به تصحیح و تحقیق ای. دی. ارشد، با مقدمه حسین آهی، تهران، فروغی، ۱۳۶۲.
- دیوان فخرالدین عراقی، دیوان اشعار، انتشارات نگاه، ۱۳۷۴.

دیوان کبیر، جلال‌الدین محمد مولوی، به تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۶۴-۱۳۳۶.

دیوان کلیم کاشانی، کتابخانه خیام، تهران، ۱۳۳۳.

دیوان کمال‌الدین اسماعیل، به اهتمام حسین بحر العلومی، تهران، کتابفروشی دهخدا، ۱۳۴۸.

دیوان ناصر خسرو قبادیانی، به کوشش دکتر مهدی محقق، انتشارات دانشگاه تهران.

راما، برگزیده اشعار مهرداد اوستا، مرکز فرهنگی رجا، تهران، ۱۳۷۰.

رباعیات خیام، به تصحیح محمد علی فروغی، تهران، ۱۳۲۱.

رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی، تقی پورنامداریان، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.

سفرنامه ناصرالدین شاه قاجار، به قلم ناصرالدین شاه، تهران، کتابخانه سنایی، ۱۳۵۵.

سفینه طالبی، کتاب احمد، عبدالرحیم طالبوف، دو جلد، استانبول، ۱۳۱۲-۱۳۱۱.

سواد و بیاض، ایرج افشار، تهران، دهخدا، ۱۳۴۴.

سه دیدار، نادر ابراهیمی، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷.

شاهنامه فردوسی، چاپ مسکو، آکادمی علوم شوروی، تصحیح رستم علی‌اف، مسکو، ۱۹۶۷.

شرح زندگانی من، (۳ ج)، عبدالله مستوفی، انتشارات زوار، ۱۳۴۳-۱۳۴۱.

شعر و هنر، پرویز ناتل خانلری، انتشارات توس.

غزلیات شمس، به کوشش بدیع‌الزمان فروزانفر، دانشگاه تهران.

فرج بعد از شدت، حسین بن اسعد دهستانی، ترجمه محسن توخی، به تصحیح اسماعیل

حاکمی، بنیاد فرهنگ، ۱۳۵۵.

فن نثر در ادب فارسی، دکتر حسین خطیبی، تهران، زوار، ۱۳۶۶.

فصلی از عاشقانه‌ها، سهیل محمودی، نشر همراه، ۱۳۶۹.

قصص الانبیاء، به تصحیح حبیب یغمایی، تهران، ۱۳۴۰.

کشف الاسرار و عده‌الابرار، ابوالفضل میبدی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۱.

کلیات اقبال لاهوری، انتشارات شرق، انتشارات سنایی، ۱۳۴۳.

کلیات امیر خسرو دهلوی، به کوشش م، درویش، انتشارات جاویدان، ۱۳۴۳.

کلیات سعدی، به کوشش محمد علی فروغی، انتشارات جاویدان.

کلیات عبیدزاکانی، به تصحیح و مقدمه عباس اقبال آشتیانی، تهران، ضمیمه مجله ارمان.

کلیله و دمنه، نصرالله منشی، به تصحیح مجتبی مینوی، چ اول، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۳.

- گلشن راز، شیخ محمود شبستری، به اهتمام صابر کرمانی، انتشارات طهوری، تهران، ۱۳۶۱.
- گلستان سعدی، به تصحیح دکتر غلامحسین یوسفی، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۸.
- گل و نوروز، خواجوی کرمانی، به کوشش کمال عینی، بنیاد فرهنگ، ۱۳۵۰.
- گنجشک و جبرئیل، سید حسن حسینی، نشر زلال.
- لطایف الطوائف، فخرالدین علی صفی، به تصحیح احمد گلچین معانی، تهران، اقبال، ۱۳۳۶.
- لغت نامه دهخدا، علامه دهخدا، مؤسسه لغت نامه دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران.
- مثنوی معنوی، به تصحیح، رینولد نیکلسون. ۳ ج، انتشارات مولی، چاپ ۱۳۷۰.
- مجله گل آقا، مدیر مسئول کیومرث صابری.
- مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه، عزالدین محمود کاشانی، با تصحیح جلال الدین همایی، ۱۳۲۵.
- مقدمه ای بر رستم و اسفندیار، شاهرخ مسکوب، امیر کبیر، ۱۳۴۲.
- منشآت، قائم مقام فراهانی، به اهتمام جهانگیر قائم مقامی، تهران، ابن سینا، ۱۳۳۷.
- منتخبی از داستان ها و نمایش نامه های چخوف، مترجم روحی ارباب، دانشگاه تهران، ۱۳۴۰.
- منطق الطیر، فریدالدین عطار نیشابوری، به تصحیح صادق گوهرین، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۸.
- واژه نامه موسیقی ایران زمین، مهدی ستایشگر، چاپ انتشارات اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۷۴.
- یادنامه بیهقی، انتشارات دانشگاه فردوسی، مشهد، ۱۳۴۹.

